

# سیاست جدید ارزی و افزایش قیمت‌ها

داد، در پاسخ به سوال خبرنگاری که از او در مورد طرح‌های اقتصادی‌اش برای مبارزه با مشکلات کشور پرسیده بود جواب داد: "... صنایعی هستند که ارز را به صورت آزاد دریافت می‌کنند و تولیدات خود را عرضه می‌کنند... امروز و فردا اعلام می‌شود که (این صنایع نیز) هر قدری می‌توانند ارز برای برنامه‌هایشان دریافت کنند."

فردای همان روز عبدالحمین و حاجی وزیر بازرگانی رژیم اعلام کرد که ارز مورد نیاز صنایع برای واردات ۱۳۱ نوع کالای دیگر غیر از بقیه در صفحه ۱۰

در خلال هفته‌های اخیر جزئیات دیگری از سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی اعلام شد. ابتدا دولت تحت عنوان عرضه ارز ترجیحی - رقابتی، رسماً وارد بازار آزاد شد. این ورود هنوز محدود بود و ارز ترجیحی تنها به بخش‌های معینی از صنایع تعلق می‌گرفت. هدف طرح اینگونه اعلام شده که صنایع ارز مورد نیازشان را با قیمتی کمی کمتر از قیمت آزاد آن از دولت بخرند و سپس "تولید خود را با قیمت مناسب در اختیار مردم بگذارند." پس از این، رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی که با هدهای از خبرنگاران خارجی و داخلی ترتیب



دوشنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۸ برابر با ۱۳ نوامبر ۱۹۸۹  
 بهار و عریال - سال ششم - شماره ۲۸۲

## در این شماره

\* رقابت جمهوری اسلامی با دولت آمریکا در اشاعه تروریسم دولتی

در صفحه ۱۲

\* مرتضی حنانه درگذشت

در صفحه ۱۰

\* هنگام برچیدن بلوک‌های نظامی فرا رسیده‌اس

در صفحه ۶

\* جمهوری دمکراتیک آلمان:

باید به انحصار قدرت پایان داد

در صفحه ۷

## آغاز و انجام "انقلاب دوم" جمهوری اسلامی

فعالیت‌های جاسوسی آمریکا در ایران داشت زدند. بلافاصله پس از اشغال سفارت دولت موقت بازرگان به جرم سازشکاری و مذاکره با برژینسکی در الجزایر ساقط شد و "شورای انقلاب" وظایف دولت را نیز به عهده گرفت. با اشغال سفارت آمریکا احساسات ضد آمریکایی مردم که قبلاً در حال گسترش بود و درست پس از فرار شاه شعار "بعد از شاه نوبت آمریکاست" را سر داده بودند تشدید شد و بر این زمینه شعار "مرگ بر آمریکا" به شعار روز مردم تبدیل گردید. از سوی دیگر آمریکا و بعضی از هم‌پیمانانش دست به تحریم اقتصادی ایران زده و اقدامات بقیه در صفحه ۲

۱۳ آبان امسال دهمین سالگرد اشغال سفارت آمریکا در ایران بود. اشغال سفارت آمریکا که در دوران نخستین دوره‌های پس از انقلاب وقوع یافت و با نخستین سالگرد کشتار دانش‌آموزان بدست همال رژیم شاه مصادف بود توسط خمینی عنوان "انقلاب دوم" و "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" را یافت. نگاهی می‌اندازیم بر سیر ده ساله این "انقلاب دوم":

آغاز  
 روز ۱۳ آبان سال ۵۸ هدهای موسوم به "دانشجویان پیرو خط امام" با اخذ تأیید قبلی از خمینی، به درون سفارت آمریکا ریخته و کارمندان آن را به گروگان گرفتند و سپس دست به انتشار بعضی از اسناد سفارت که حکایت از

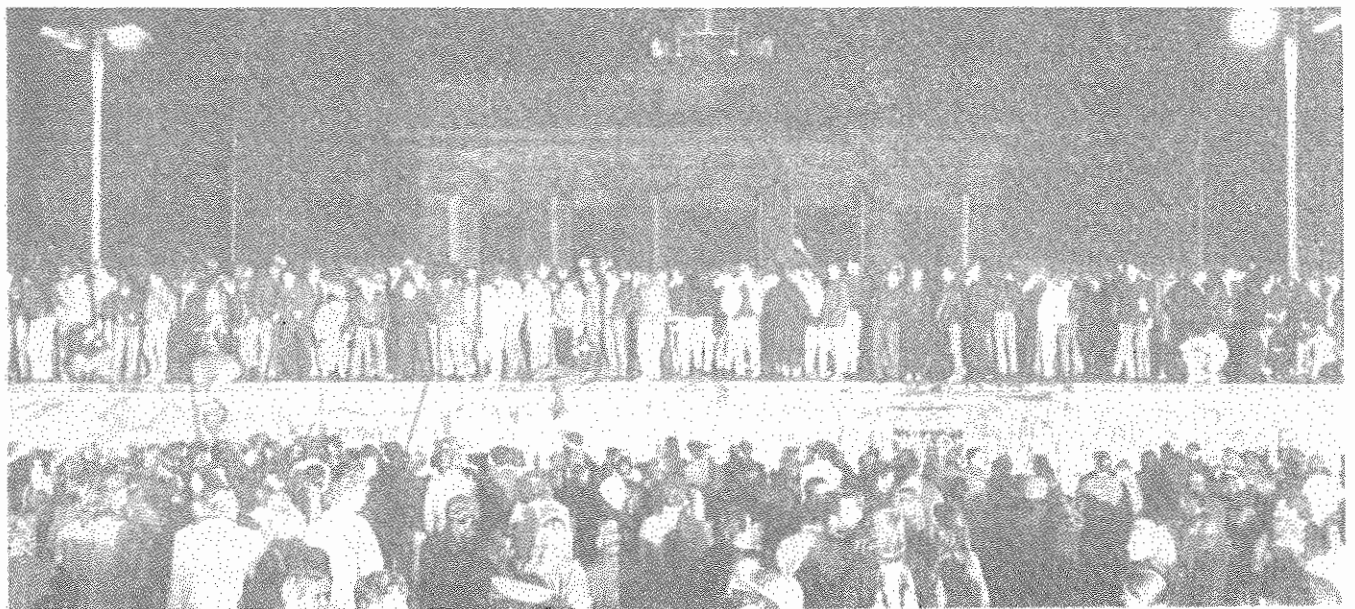
اطلاعیه هیات اجرایی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره برگزاری پلنوم مهر ماه ۱۳۶۸ کمیته مرکزی

در صفحه ۳

## دیوار برلین، مرز قابل عبور

در صفحه ۶



روز شنبه ۱۱ نوامبر قریب هشتصد هزار تن از اتباع جمهوری دمکراتیک آلمان برای دیداری کوتاه از برلین غربی، دیدار آشنایان و جشن گرفتن برداشته شدن دیوار بمثابه مانع مسافرت، وارد برلین غربی شدند.

بقیه از صفحه اول

## آغاز و انجام "انقلاب دوم" جمهوری اسلامی

سیاسی و اقتصادی دیگری را علیه ایران به اجرا گذاشتند. خمینی و طرفدارانش موفق شدند با طرح شعارهای ضد آمریکایی بر موج مبارزه ضد امپریالیستی مردم سوار شوند. این مبارزه را در چارچوب تضاد حکومت و دولت آمریکا محدود کرده و آنرا در جهت تثبیت حاکمیت خویش و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی منحرف سازند.

تداوم

نفع ایران سیر کرد کافی است آنچه را که کیهان هوایی همین دو هفته پیش به نقل از "وال استریت ژورنال" در این باره درج کرده است بخوانیم: "داداگاه لاهه که مأمور رسیدگی به اختلافات مالی ایران و آمریکا است ظرف ۵ ساله گذشته بیش از ۴۰۰ حکم علیه ایران و به نفع شرکت‌های آمریکایی صادر کرده است." این نشریه می‌افزاید: "چندی قبل وزارت امور خارجه آمریکا تأیید کرد که بیش از ۵ میلیارد از سپرده‌های مسدود شده ایران به حساب بانک‌های آمریکایی که علیه ایران اقامه دعوی کرده بوده‌اند واریز شده است."

و آنچه که از این "انقلاب"

اشغال سفارت آمریکا علاوه بر اینکه به جمهوری اسلامی امکان داد تا با جلب باور مردم به مواضع ضد امپریالیستی آن بر موج مبارزات آنان سوار شود و بر آن مهار زد و قانون اساسی‌اش را از تصویب بگذارد ابزاری در دست آخوندهای مسلط در نهادهای حکومتی شد تا کار دولت موقت را به بهانه محاسبات و مذاکره با آمریکا یکسره سازند. اشغال سفارت آمریکا به سمبل سیاست "ضد سازش" و "ضد نزدیکی به غرب" تبدیل گردید. امروز هم سازش و نزدیکی به غرب در فضای حاکمیت جمهوری اسلامی و توسط جناحی از آن ملین انداز شده است. از این رو این بار هم جناحی در حاکمیت

رژیم با بهره‌گیری‌های مورد نظرش از اشغال سفارت، تدریجاً عقب‌نشینی را آغاز کرد و سرانجام با پا در میانی الجزایر به پشت میز مذاکره با آمریکا نشست. گروهانهای آمریکایی باید آزاد می‌شدند. این برای خود رژیم نیز آشکار شده بود. به جز چند کشور که کمتر پروای اصول مناسبات بین‌المللی را داشتند و به حمایت از اشغال سفارت بر خاسته بودند، دیگر کشورها یا این اقدام را محکوم کردند و یا آت‌هایی که دوست جمهوری اسلامی محسوب می‌شدند، سکوت اختیار کردند. علاوه بر این رژیمی که وارث اقتصاد همیتا وابسته‌ای بود و هیچ گامی هم در رفع آن بر نداشته بود طبعاً نمی‌توانست نسبت به تحریم اقتصادی بی‌تأثیر بماند خاصه آنکه جنگ با عراق که کمتر از یک سال پس از اشغال سفارت آغاز شده بود نیز بر نیازهای اقتصاد جنگی رژیم می‌افزود.

از این رو بود که گرچه لفاظی‌های ضد امپریالیستی دست‌اندرکاران رژیم ادامه یافت، اما اقدام واقعی به عقب‌نشینی صورت گرفت. سرانجام پس از ۴۴۴ روز، گروهان‌ها آزاد شدند، دیگر سخنی از بازگرداندن اموال شاه در آمریکا به ایران مطرح نشد و حل و فصل مسائل مربوط به دارائی‌های بلوکه شده ایران در آمریکا و دهاوی شرکت‌های آمریکائی علیه ایران به دادگاه بین‌المللی لاهه سپرده شد.

برای اینکه روشن شود در دادگاه لاهه امور تا چه حدودی به

از این شکست قطعاً نمی‌توان به این نتیجه رسید که هر چه برای رفسنجانی گشوده شده است، چه اولاً حریف هم اکنون در تدارک حملات بعدی است و در صدد "تدوین استراتژی مشخص مبارزه با استکبار" و "ثابت‌سازی سیاست رفسنجانی به قدر کافی در جنبه تناقضات درونی خود گرفتار" اما می‌توان گفت که سیاست اشغال سفارت آمریکا تراژدی‌ای بود که تکرار مضحک آن در دهمین سالگرد بزرگداشت آن مجملی شد. باز هم جناحی در صدد برآمدن این سیاست چماقی علیه حریف خویش دست و پا کند، لیکن چیزی تأییدش نشد.

کوشید و تدارک دید تا دهمین سالگرد اشغال سفارت آمریکا را به ابزاری در دست خود و علیه رقیب تبدیل کند.

چندی پیش در بحبویه "شایعات" حاکی از کوششهای رفسنجانی برای بهبود مناسبات با آمریکا و رفع مسائلی فیمابین ۱۳۶ تن از نمایندگان مخالف رفسنجانی در مجلس طی نامه‌ای به او، او را به موضع‌گیری هلنی علیه آمریکا فراخواندند. آنها خواستار آن شدند که در روز ۱۳ آبان از سوی دولت برنامه‌های ویژه‌ای به اجرا درآید. این نمایندگان و کلی‌تر بگوئیم جناح رقیب رفسنجانی پس از ضرباتی که خاصه در ترکیب کابینه و سایر پست‌های کلیدی از حریف تحمل کرده، چاره را در توسل به شیخ خمینی و تشبثات و شعارهای مطرح شده توسط او یافته‌است. ۱۳ آبان یکی از این تشبثات، و به زعم جناح مذکور یکی از جدی‌ترین آنها، است.

در بزرگداشت این روز چه نهادها که اطلاعیه ندادند، چه همدو پیغامها که بسته و چه خطوط

های مردم ما شادین بود که "سال گذشته نمایندگان انقلابی مجلس شورای اسلامی پیشنهاد نامگذاری این روز به عنوان روز مبارزه با استکبار جهانی بصورت طرح تقدیم مجلس کردند که خوشبختانه به تصویب رسید."

به این ترتیب "انقلاب دوم" با میاهو و نیرنگ رژیم جمهوری اسلامی آغاز شد. میاهو و نیرنگی که حتی سازمان‌های سیاسی منجمله سازمان‌ها را نیز به اشتباه باور آن دچار ساخت. این میاهو در تداوم خود به مراسمی که "متن" آن جنجال رو به خاموشی و "حاشیه" اش تاراج فزاینده ثروتهای مردم بود تبدیل شد.

سرانجام

اما امسال ناگهان دوباره جنجال بالا گرفت. ظاهراً گذشت یک دهه از "انقلاب دوم" و این نکته که "امسال اولین سالی است که مراسم... ۱۳ آبان در نبودن حضرت امام انجام می‌شود" توضیح این جنجال دوباره‌اند. اما مطلب به قرار دیگری است:

نشان‌ها که کشیده نشدند. فیر از نهادهای رسمی حکومتی، بیش از ۳۰ سازمان و گروه و جمعیت و... شرکتشان را در مراسم اعلام داشتند و ترجیح‌بند اعلامیه‌های همگی شان "لزوم مبارزه قاطع با آمریکا"، "تجدید میثاق با امام"، "فشای خط سازش" و... بود. خامنه‌ای که گویا باورش شده است که رهبر و ولی فقیه است با کوشش برای اتخاذ موضع و حتی بیانی مشابه موضع و بیان خمینی، طی نطقی مضمحل به این مناسبت، به شرح کفانی در مورد استکبار پرداخت و پیرامون حساس‌ترین وجه این خمیه شب بازی زد. امپریالیستی یعنی پیرامون جنگی که نه با آمریکا بلکه در درون خود حاکمیت جریان دارد و ۱۳ آبان تنها دستاویزی برای جاری شدن این جنگ است تنها به این اکتفا کرد که بگوید: "... البته تحلیل‌گران غالباً وابسته به محافل سیاسی جهت دار صادقانه تحلیل نمی‌کنند. قضایای ایران را مغرضانه تحلیل می‌کنند. اینکه در ایران دو جناحند، یک جناح اینطور می‌گوید، یک جناح آنطور می‌گوید، دارند مقدمات را فراهم می‌کنند تا با فلان و بمان کنار بیایند، اینها تحلیل‌های دشمنان ماست."

این در حالی بود که بسیاری از مخالفان رفسنجانی هنگام یورش به "خط نزدیکی به غرب" تنها از ذکر اسم رفسنجانی و طرفدارانش خودداری کردند. ضمناً آنها کوشیدند از بند بازیهای خامنه‌ای استفاده کرده و خط‌فاصلی بین او و رفسنجانی ترسیم کنند. چند نمونه بدهیم: مجید انصاری نماینده زرد کرمان با انگشت گذاشتن بر هزل و نصب‌ها و اظهار نظرها و سیاست‌گذاریهای اقتصادی، در مصاحبه با کیهان به مناسبت ۱۳ آبان رفسنجانی را چنین نشان گرفت: "موضع نظام جمهوری اسلامی ایران... پافشاری بر همان مواضع اصولی قبلی انقلاب در رابطه با آمریکا است. اما این حقیقت را نمی‌توان کتمان نمود که بسیاری از نصب و هزلها و اظهار نظرها و مصاحبه‌های متضاد و برخی از سیاست‌گذاریهای اقتصادی زمینه این تصور را فراهم نموده است که مسئولین نظام برای هادی سازی روابط خود با آمریکا غیر مستقیم امتیازاتی داده و یا چراغ سبزیایی

## اطلاعیه هیات اجرایی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره برگزاری پلنوم مهر ماه ۱۳۶۸ کمیته مرکزی

شرائطی بکلی متفاوت طراحی شده بود، در راستای انطباق با شرایط فعلی و ذهنی فعالیت فعلی دستگاه رهبری سازمان.

پلنوم هم چنین دو کمیسیون را برای تدارک اسناد کنگره و برای حل و فصل مسائل اجرایی آن جنب هیات اجرایی تشکیل داد و وظائف آن ها را معین کرد.

پلنوم هم چنین هیات اجرایی را موظف ساخت که با فعال کردن و فنی کردن نشریات ترویجی و با انتشار منظم و وسیع بولتن کنگره و با

سازمان دهی اجلاس های سازمانی در راستای تکامل اندیشه های راهنمای سازمان، تجهیز به تواندیشی و درک امروزی از هویت و رسالت خود با استفاده از تمام امکانات تلاش ورزد.

پلنوم در شرایطی برگزار شد که برای تدارک تصمیمات آن طی تلاشی یکساله در کمیته مرکزی و در سطح فعالین سازمانی بحث و تبادل نظر صورت گرفته بود. تصمیمات پلنوم با روح توافق و احساس مسئولیت و با اکثریت قابل اتکالی آرا در کمیته مرکزی اتخاذ گردیده است.

برای گسترش مبارزه علیه رژیم و در راه دموکراسی برای ایران و ایفای نقش فعال تر در جنبش دموکراتیک ایران، برای توجه ضروری به مسائل نظری و برنامه ای و برای نوسازی تمام جهات حیات درون سازمانی، حل و فصل مهمترین مسائل تشکیلاتی سازمان، یعنی تدارک کنگره و تجدید سازمان دستگاه رهبری سازمان حائز اهمیت ویژه است. پلنوم مهر ماه ۶۸ کمیته مرکزی در پاسخ به همین نیاز فراخوانده شد و با موفقیت و وظائف خود ربه انجام رساند.

هیات اجرایی کمیته مرکزی همه اعضا و هواداران سازمان، بویژه کادرهای مسئول سازمان ربه حمایت فعال از تصمیمات پلنوم و بکارگیری همه تلاشها در جهت اجرای قاطعانه مصوبات آن و فراهم ساختن تمام زمینه ها برای فراخواندن نخستین کنگره سازمان فرامی خواند.

هیات اجرایی کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۹ مهر ماه ۱۳۶۸

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روزهای ۱۲ تا ۱۶ مهر ماه ۱۳۶۸ با حضور اکثریت اعضای آن تشکیل گردید و به برخی مسائل تشکیلاتی که در دستور آن بود، رسیدگی کرد.

بررسی اصلاحات پیشنهادی هیات سیاسی پیرامون مصوبات پلنوم شهریور ماه ۶۷ کمیته مرکزی درباره ضوابط تعیین نمایندگان کنگره و نیز بررسی تغییرات پیشنهادی در باره ساختار و ترکیب ارگان های رهبری سازمان در فاصله دو پلنوم عمده ترین مسائلی بود که در دستور کار پلنوم قرار داشت. پلنوم در هر دو مورد با اکثریت قابل اتکا موفق به تصمیم گیری شد.

رئوس مضامین تصمیمات پلنوم عبارت است از:

### ۱- اصلاح ضوابط تعیین نمایندگان کنگره

بنا به برخی پیشنهادهای که در تشکیلات خارج از کشور مطرح شده بود، پلنوم تصمیم گرفت نام بخشی از کادرهایی که چندین سال است در خارج از کشور بسر می برند و به لحاظ موقعیت و سوابق سازمانی خود در قبل از خروج از کشور به عنوان نماینده کنگره تعیین شده بودند، از لیست نمایندگان کنگره حذف شود. این گروه از کادرها تنها در صورت موفقیت در انتخابات به کنگره راه خواهند یافت. در عوض تعداد کسانی که مستقیماً برای فعالین سازمان در خارج کشور به عنوان نماینده کنگره برگزیده می شوند تا ۴ برابر افزایش یافته است.

### ۲- تغییرات در ساختار و ترکیب ارگان های رهبری

بنا به تصمیم پلنوم در ساختار و در ترکیب ارگان های دستگاه رهبری سازمان، که در فاصله دو پلنوم رهبری سازمان را بر همده داشته اند، تغییرات عمده ای پدید آمد. مطابق این تغییرات و وظائف هیات سیاسی و هیات دبیران در یکدیگر ادغام گردید و بر همده یک هیات جدید بنام هیات اجرایی کمیته مرکزی قرار گرفت. هیات اجرایی مسئولیت هدایت تمام امور سازمان در فاصله دو پلنوم را بر همده خواهد داشت. هیات اجرایی دارای ۷ عضو اصلی و بدون عضو مشاور است.

هدف از این تغییرات عبارت است از حل و فصل برخی مسائل کمنه و نو پیرامون ترکیب، ساختار و شمار اعضای ارگان های دستگاه رهبری که در

رانشان داده اند.

یا در حالیکه بارها و از جمله درست در مصاحبه ای به همین مناسبت ۱۳ آبان رفسنجانی و وابستانش تصریح کردند که اگر آمریکا اموال ایران را آزاد کند جمهوری اسلامی مشکلی با آن نخواهد داشت، یکی از اعضاء شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت چنین گفت: "جنگ ما با آمریکا بر سر این نیست که چرا اموال ما را مصادره کرده است که در این صورت اگر اموال ما را آزاد کند ما مشکلی با آنها نداشته باشیم." و "این مبارزه با استقرار و سالی از این قبیل در برنامه بازسازی نمی تواند همگون شود.

یادآور می شویم که دفتر تحکیم وحدت "بکتار" برگزاری مراسم بزرگداشت ۱۳ آبان ربه همده داشت.

بیانیه انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها با صراحت بیشتری مطلب را ادا کرده است: "این انجمن با اشاره به خط مشی هده ای

که استراتژی تردید و مباحثات و تذبذب را در مورد آمریکا پیش گرفته اند یادآور شده است: متأسفانه بعد از رحلت حضرت امام... رگه ها و حرکت هایی که مبین سمت گیری مغشوشی است و بطور عمده بر انفعال نیروهای انقلاب تکیه دارد ملاحظه می شود که باید به سرعت تصحیح شود... در بیانیه گفته شده استراتژی که به نادرست شعار واقع گرایی و خرد گرایی را مطرح می کند مرهوب قدرت آمریکا است و همان سیاست های گام به گام لیبرالیسم را دنبال می کند." (به نقل از کیهان ۱ آبان)

باری مقدمات فراهم شده بودند. اعلام برنامه ها، فراخوان ها، دعوت ها،... به شرکت در "روز ملی... صورت گرفته بودند. ۱۳ آبان فرا رسید. اما در حالیکه مثلاً روابط عمومی امور تربیتی استان تهران اعلام کرده بود "به مناسبت ۱۳ آبان ۵ هزار نفر به نمایندگی از دانش آموزان دبیرستانهای پسرانه

استان تهران در مراسم... حضور می یابند" ۴ روز پس از مراسم کیهان هوایی اعلام کرد: "به مناسبت دهمین سالگرد تسخیر لانه جاسوسی... مراسمی با حضور هزاران تن در مقابل سفارت آمریکا انجام شد." کیهان هوایی در گزارش کاملاً مختصری تعنا به ذکر همین نکته در مورد جریان مراسم اکتفا کرده و بی آنکه اشاره ای به راهپیمایی و دیگر قسمتهای برنامه داشته باشد باقی گزارش را به نقل پیام های پس و پیش از مراسم این و آن اختصاص داده است. سایر گزارشها نیز همگی حاکی از برپایی مراسمی بی رونق و حقیر بوده اند.

آنچه که "جناح تندرو" از این مراسم هایدش شد جز فرصتی برای آنکه از زبان چند نفر از سخنویانش بر لزوم "تدوین استراتژی مشخص مبارزه با استکبار" و از زبان موسوی اردبیلی بر لزوم تجلیل همه ساله از ۱۳ آبان تاکید کند چیز بیشتری نبود. حتی حضور محتملی در روز مراسم کجکی به

"گرم کردن تنور مبارزه با امپریالیسم" نکرد. تاکتیک "جناح تندرو" با شکست مواجه شد.

از این شکست قطعاً نمی توان به این نتیجه رسید که عرصه برای رفسنجانی گشوده شده است، چه اولاً حریف هم اکنون در تدارک حملات بعدی است و در صدد "تدوین استراتژی مشخص مبارزه با استکبار" و ثانیاً سیاست رفسنجانی به قدر کافی در چنبره تناقضات درونی خود گرفتار. اما می توان گفت که سیاست اشغال سفارت آمریکا تراژدی ای بود که تکرار مضحک آن در دهمین سالگرد بزرگداشت آن متجلی شد. باز هم جناحی در صدد برآمد از این سیاست چپاتی علیه حریف خویش دست و پا کند اما بیشتر از مگس کش هایدش نشد.

با گذشت ده سال، در این عرصه، رژیم و جناح های آن، قدرت به صحنه کشاندن "امت همیشه در صحنه" را از دست داده اند.

## طرح های جدید ارزی دولت و کشتی های حامل کالا در بنادر کشور

از طریخی اعلام شده است که دولت در رابطه با قیمت گذاری کالاهایی که توسط افراد با ارز غیر دولتی وارد می شدند برنامه مشخصی ندارد. همچنین در پی اعلام جزیره کیش به عنوان منطقه آزاد معاملاتی خروج کلیه کالاهای وارداتی از جزیره کیش توسط مسافری آزاد گردید. مسافری می توانند با دریافت کارت خرید کالا و پرداخت ۵۰ هزار ریال، کالاهای مورد نیاز خود را به میزان ۱۰ کالای همراه مسافر بدون پرداخت عوارض گمرکی به کشور وارد کنند.

بدنای اعلام سیاست ارزی جدید و ایجاد تسهیلات برای ورود کالاهای مورد نیاز، ۸۰ کشتی حامل کالا وارد بنادر کشور می شوند. به گفته رئیس کل بانک مرکزی با تخلیه بار این کشتی ها تیمت اجناس مورد نیاز کاهش می یابد. همچنین گفته شده است همزمان با شروع طرح های جدید نرخ کالاهایی مانند لوازم برقی وسایل خودرو و غیره ۱۰ تا ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت. ۸۰ درصد محموله این کشتی ها شامل کالاهایی نظیر گندم، برنج، جو و کود شیمیایی می شود.

## انتصاب شمخانی به سمت فرمانده نیروی دریایی

از سوی خامنه ای، هلی شمخانی با احراز درجه دریاداری به فرماندهی نیروی دریایی منصوب شد. شمخانی یکی از فرماندهان سپاه پاسداران بود که هیچ مقام و درجه ای در ارتش نداشته است. وی زیر سایه خامنه ای یک شبه دریادار شد! خامنه ای طی حکم خود هلت این انتصاب را ایجاد همکاری و هماهنگی بین دو بازوی مسلح جمهوری اسلامی یعنی سپاه و ارتش ذکر کرد. فرمانده سابق نیروی دریایی، دریادار ملک زادگان از سمت خود برکنار و برای حفظ ظاهر سمت مشاورت فرماندهی کل نیروهای مسلح به وی تفویض شده است. همچنین سرلشکر ظهیر نژاد به عنوان رئیس گروه مشاوران نظامی خامنه ای تعیین شد.

## وزیر روابط اقتصادی خارجی شوروی در تهران

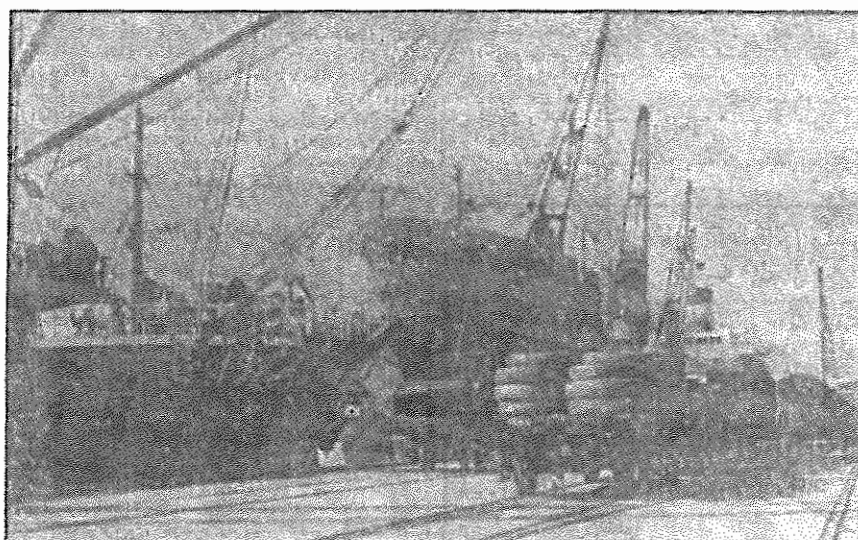
به گفته مورودنیف معاون وزیر روابط اقتصادی و تجارت شوروی در جریان سفر کاتاشف وزیر روابط اقتصادی خارجی شوروی به ایران متن موافقتنامه صدور گاز ایران به شوروی به امضا خواهد رسید. این قرارداد تا دی ماه امسال امضا بر اساس آن میزان تحویل و قیمت گذاری گاز متناسب با عرف بین المللی تعیین خواهد شد.

روز چهارشنبه کاتاشف در اس یک هیات اقتصادی وارد تهران شد. وی در مدت اقامت خود در تهران با مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی دیدار کرد.

آقازاده وزیر نفت رژیم اظهار داشت پس از پنج ماه صدور گاز به شوروی انجام می گیرد که در مرحله اول حجم آن معادل سه میلیارد متر مکعب می باشد که در مراحل بعدی می تواند به ۵ میلیارد متر مکعب افزایش یابد. وی همچنین افزود که برای صدور گاز به کشورهای رومانی، بلغارستان و چکسلواکی مذاکراتی انجام گرفته و در این زمینه مسافرتی به این کشورها خواهد شد. به گفته وی این معاملات پایایی است و آنها متعهد شده اند در قبال خرید گاز در زمینه راه آهن، سدسازی و نیروگاه سازی با ایران همکاری نمایند.

## قطع انگشتان ۴ انسان در اهواز

به حکم دادگاه کیفری اهواز انگشت دست راست چهار متهم به سرقت قطع شد. در این رابطه دادستان همومی اهواز اظهار کرد که احکام شریعت، علاوه بر بعد اخروی، باعث ثابت شدن اجرای سریع احکام الهی در جامعه می شود. وی در رابطه با وضعیت شغلی مجرمین جواب مشخصی نداد و از توضیح هلت و ریشه اشاعه دزدی و فساد در جامعه شانه خالی کرد.



## نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در بغداد و تهران

جواب مشخصی نداده است. دبیر کل سازمان ملل در آخرین پیشنهاد خود خواستار عقب نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای بین المللی در مدت ۱۵ روز و مبادله اسرا در مدت ۹۰ روز شد. ایاسون در سفر اخیر خود طرح جدید و پیشنهاد خاصی همراه ندارد و فقط مقامات دو کشور ایران و عراق را در این رابطه در جریان نظرات طرف مقابل قرار می دهد.

یان ایاسون نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در بغداد و تهران با مقامات دو رژیم جهت شکستن بن بست مذاکرات صلح دیدار و گفتگو کرد. در ملاقات اخیر وزرای خارجه ایران و عراق قرار بر این شد که ایاسون جهت پی گیری امر مذاکرات به منطقه سفر کند. عراق تاکنون به طرح چهار ماده ای دبیر کل

## الزام تکمیل فرم های مخصوص توسط دانشجویان پزشکی خارج از کشور

به نمایندگیهای جمهوری اسلامی در کشور مربوطه مراجعه کرده و نسبت به تکمیل فرم های دانشجویی اقدام کنند.

بنا به اطلاعیه اداره کل بورسهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دانشجویان ایرانی که در خارج از کشور در رشته های پزشکی تحصیل می کنند، بایستی در اسرع وقت

## کشتی گیران کشور نایب قهرمان کشتی آزاد جوانان جهان شدند

قهرمانی جوانان جهان رسید. قابل ذکر است که مجلس آخوندی طی نامه ای با امضای نمایندگان از قهرمانان ایران تقدیر به عمل آورده. قبل از همه قهرمانان ورزش ایران بخوبی می دانند که سیاست گذاران جمهوری اسلامی چه بلایی بر سر ورزش در ایران آورده اند و با تحدید امکانات ورزشی و به اصطلاح مکتبی کردن آن ضربات جبران ناپذیری نصیب ورزش و ورزشکاران کرده اند.

در آخرین روز برگزاری مسابقات کشتی آزاد جوانان جهان در مقولستان قهرمانان ایرانی با کسب دو مدال طلا، دو نقره و یک برنز و با جمع آوری ۶۷ امتیاز به مقام نایب قهرمان جهان نائل آمدند. ناصر زینل نیا و تقی اکبر نژاد با فلبه بر حریفان خود مدال طلای این مسابقات را به خود اختصاص دادند. تیم شوروی با تصاحب ۳ مدال طلا، ۳ مدال نقره و یک مدال برنز و کسب ۸۳ امتیاز به مقام



## از زندگی کارمندان

کارمند جماعت در مجموع دل به کار نمی‌دهد. آنها در از زیر کار در رفتن، مهارت هیچی کسب کرده‌اند. کارت ورود را می‌زنند، دنبال کار دوم و سوم شان می‌روند و عصر بر می‌گردند و کارت خروج می‌زنند و یا در همان اداره با استفاده از تلفن دولتی به کارهای معاملاتی شان می‌پردازند. دلیل مسئله هم روشن است: حقوق دولتی کفاف زندگی را نمی‌دهد، لذا باید به نکر امور و شغل‌های دیگر بود تا زندگی بگذرد.

در مجموع باید گفت که زندگی اقشار متوسط (که اکثریت جامعه شهرنشین را تشکیل می‌دهند) وحشتناک است. از صبح تا فروب دنبال تهیه پول هستند تا خرج کمرشکن مسکن، خوراک، پوشاک و لوازم منزل را بپردازند، لذا مشغولیات معنوی (حتی گوش کردن به رادیو) نیز کمترین جا را در زندگی آنها اشغال می‌کند. این امر حتی در مورد بسیاری از فعالین سیاسی هم صدق می‌کند که زندگی دشواری به لحاظ معیشت و گذران دارند. برای نمونه: من و همسر من از وقتی که در انتظار بچه بودیم، به فکر هزینه زایمان بودیم. هزینه زایمان هادی در بیمارستانها ۱۰ هزار تومان و سزارین ۳۳ هزار تومان است. دکترها هم برای پول بیشتر معمولاً سزارین می‌کنند. تمام این مدت را باید با فشار غیر قابل تصویری کار کرد تا این پول فراهم شود و تازه پس از بچه دار شدن یکی از حقوقها حذف می‌شود و در مقابل هزینه زندگی بچه اضافه می‌شود که دیگر خریار و باقالی بار کن.

از دواج در سطح جامعه، محدودتر از قبل است. مشکل اقتصادی مهم‌ترین مانع برای اقشار متوسط است. همسایه‌ها همسایه‌ها و دامادهای تازه که قبلاً بیخچال و گاز و موکت از جانب ارگانهای دولتی بود، اکنون به یک موکت و چراغ هلال‌الدین تقلیل یافته است. هزینه‌ها هم فوق العاده بالا رفته، در نتیجه رفیت به از دواج به طرز محسوسی افت کرده است. یک جوان با دست و پا اگر از کله صبح تا شب یک سره کار کند، ماهی ۲۰-۱۵ هزار تومان درآمد دارد که این‌ها هنوز کفاف خرج روزمره را نمی‌دهد. زندگی طوری است که قدرت فکر کردن از آدمی سلب می‌شود.

در مسئولیت‌های کلیدی مملکت، آدم‌های بیسواد و نالایق نشسته‌اند. این امر، مسئله نارضایتی جدی نیروهای متخصص را دامن می‌زند. مثلاً در یک دبیرستان، تعداد زیادی لیسانسه، دبیر هستند ولی مدیر دبیرستان یک مکتبی دیپلمه و بی‌سواد است. برای آنکه پدیده مهاجرت در میان اقشار متوسط و بالا را بفهمیم باید یک چرخه در سطح تهران بزنیم و اهانات حراج لوازم منزل را ببینیم. در هر محله‌ای چند آگهی حراج است. کسانی که لوازم منزل خود را می‌فروشند، کسانی هستند که قصد خراج رفتن و برنگشتن را دارند. همه هم این را می‌دانند.

نیروهای متخصص، هنوز در جامعه کار جدی پیدا نمی‌کنند. ارج و قرب کافی ندارند. از آنجایی که تولیدات کشور راه نیافته و خدمات هم هنوز مثل سابق فعال نیست، لذا حکومت هنوز

نمی‌تواند از نیروی متخصص داخلی به طور کامل استفاده کند چه رسد به آنکه برای متخصص مهاجر بتواند امکانات کار و زندگی مطلوب را فراهم کند.

علیرقم‌های و هوای رژیم هنوز هم تولید و اقتصاد کشور راه نیافتاده است و آثار جنگ بر پیکر آن وجود دارد. و از آنجا که رفسنجانی هم هنوز به وعده‌هایی که داده (حتی یک قدم هم عمل نکرده) جامه عمل به پوشاندن بدبینی نسبت به او اینچوا و آنچاشنیده می‌شود. خلاصه تا بلو در مورد اقشار متوسط چنین است: صبح تا شب به دنبال لقمه‌ای نان و زندگی متوسطی هیچ فکر و ذکر دیگری، هر که به فکر خویش است.

در چنین وضعیتی توجه به سیاست و سیاسیون در جامعه بسیار محدودتر شده است. اقشار مورد بحث محتاط‌تر هستند و جایی که اعتماد کامل نداشته باشند، حرفی از سیاست نمی‌زنند. حتی با اشخاص مورد اعتماد خود هم در این باره گفتگوی جدی نمی‌کنند.

ترس از سرکوب و به ویژه اهدام‌های سال پیش بچه‌های سیاسی را محتاط‌تر کرده. در هر ض یک سال و عرصه گذشته، چند مورد مراجعه به کسانی که سابقاً سیاسی بوده‌اند، یا مراجعه به آشنایان آنها وجود داشته است که در مورد آنها تحقیق یا از خود آنها بازجویی شده است. عده‌ای برآنند که حکومت مسائل خارجی‌اش را حل کرده، جنگ را تمام کرده روابطش را با کشورهای خارجی بهبود بخشیده و حالا که سرش خلوت شده، قصد ریشه کن کردن هر نفس‌کش سیاسی را دارد. شایع بود که طی سال گذشته، عده‌ای از زندانیان سیاسی سابق باز هم دستگیر شده‌اند.

مجلاتی مانند "آدینه" و "سخن"، طرفدار زیاد دارند و به سرعت نایاب می‌شوند. مجله "مخید" هم مدتی است که ظاهر به دلیل کمبود کافز منتشر نمی‌شود. کتاب بسیار گران است و در بازار آزاد قیمت سرسام‌آوری دارد. مثلاً یک جلد رمان همسایه‌ها ۳۵۰ تومان است. حافظ شاملو ۱۸۰۰ تومان. اکنون سهراب سپهری و شاملو در میان شاعران بیش از بقیه مورد توجهند. فیلم‌های خوبی به صحنه می‌آید و مورد توجه قرار می‌گیرد. ولی سانسور در سناریوی فیلم‌ها جدی است. مثلاً پایان فیلم مادیان بر اساس سناریو، دختر باید خودکشی می‌کرد، ولی اداره ارشاد گفت که خودکشی اسلامی نیست و تهیه‌کننده‌های فیلم هم پایان آن را عوض کردند. کسی که در کار سینما است، نمی‌تواند معطل این جزئیات شود، پول و سرمایه‌ای که گذاشته یا می‌گذارد، باید به جریان بیافتد، لذا حاضر است سازش کند.

تلویزیون از سریال "اوشین" که بگذریم، برنامه‌های پر بیننده‌ای ندارد. اما شب‌های شنبه که "اوشین" را نشان می‌دهند، خیابان‌ها خلوت است. مدت‌هاست که سریال جدید ایرانی ساخته نشده.

## از زندگی ورزش مردم کرد

مردم مناطق کردنشین علیرقم همه مصائب به هیچ وجه با دولت آشتی نکرده‌اند. حکومتی‌ها

با شلاق و شیرینی تلاش در جذب آنها دارند ولی طرفی نیستند. مثلاً ۴ روز در هفته تلویزیون به زبان کردی برای سراسر کشور برنامه دارد.

یارادیو به زبان کردی هر روز کار می‌کند، یا اینکه کتاب کلاس اول به زبان کردی منتشر شده (البته هنوز تدریس نمی‌شود) و بالاخره مجلات ادبی و فرهنگی به زبان کردی که قلم‌زنان آنها اکثراً کردهای دمکرات هستند، قانوناً منتشر می‌شوند. از سوی دیگر مثلاً در مناطق کردنشین، (بنا به گفته مردم) سپاه پاسداران مواد مخدر پخش می‌کند. می‌دانید که احتیاد برای جوان کرد ننگ است و سنتا در این مناطق معتاد کم است. ولی اکنون حتی در سطح مدارس هم هر وئین و سایر مواد پخش می‌کنند که جوانها را خمار کنند و به دور از سیاست نگهدارند. الان در میان دانش‌آموزان شهرهای کردنشین احتیاد به مسئله‌ای جدی تبدیل شده است.

مردم این مناطق بسیار سیاسی‌تر از مردم سایر نقاط کشورند. توجه‌شان به مسائل سیاسی و گروه‌ها بیشتر است. در مورد مسائل سیاسی راحت‌تر حرف می‌زنند. مردم پیشمرگه‌ها را از خود و حامی خود تلقی می‌کنند. به اعتقاد آنها اگر پیشمرگه‌ها با حکومت درگیر نباشند، حکومت در شهرها دمار از روزگار مردم کرد در می‌آورد. اگر الان احتیاط می‌کنند از ترس همین نیروهای مسلح است.

## از دانشگاه

در کلاس ۲۰ نفری ما فقط ۱۰ نفر سمیه هم‌ومی هستند. ۵ نفر از پاسداران و بسیجی‌هایند و ۵ نفر از فرزندان شهدا (به نام شاهد) این سمیه‌ای‌ها در کنترل اوضاع دانشگاه نقش جدی دارند. اصلاً اجازه نمی‌دهند که اتحاد میان دانشجویان شکل بگیرد. حتی بر سر مسئله کوچک (مثل تاریخ امتحان) هم تلاش می‌کنند که بین بچه‌ها نفاق باشد. درست است که ترس سالهای اول پس از انقلاب فرهنگی وجود ندارد ولی هنوز حرکتی هم در میان نیست. سمیه‌ای‌ها حدود ۴۳ درصد کل دانشجویان در هر کنکور هستند.

فوق برنامه اساساً در دست انجمن اسلامی متمرکز است. مثلاً برنامه کوه که می‌گذارند، حتماً از خودشان و سمیه‌ای‌ها هم هستند.

کتاب درسی دانشگاهی کم است یا در بازار آزاد با قیمت بالاست ولی لوازم التحریر با توجه به سمیه‌ای‌ها که هر ترم می‌دهند، در ۲ سال گذشته کافی بوده. استادان در دانشکده‌های مختلف غالباً لیسانس، کم سواد و بی‌تجربه هستند.

در دانشگاه هنوز هم یک ستون آزاد وجود دارد که می‌توان بدون اجزاء انتقاد در مورد مسائل مختلف نوشت. اما خوابگاه مهم‌ترین و جدی‌ترین مشکل بچه‌های شهرستانی است.

دانشگاه آزاد اسلامی امروزه کیفیتی حتی بهتر از دانشگاه دولتی دارد. زیرا اساتیدی که در آن درس می‌دهند، کسانی هستند که بعضاً به دلیل اخراج از کار دولتی، در آنجا مشغول تدریسند و چون حقوقشان به نسبت بیشتر است، کارشان بهتر است. برای هر ترم در دانشگاه آزاد باید ۲ هزار تومان حق ثبت نام داد و برای هر واحد حدود ۳۰۰-۲۰۰ تومان

# ديوار برلين، مرز قابل عبور



برای کسب مشروعه‌یتی نوین در میان مردم کامیاب شود باید تصویر نوینی از سوسیالیسم برای آنها پدید آورد. کریستا ولف نویسنده، در پیام خود برای مردم جمهوری دمکراتیک آلمان، اساس تصویر فوق را چنین توصیف کرد: "ما نمی‌توانیم یک زندگی راحت با بالاترین سطح مادی را به شما عرضه کنیم اما قادریم جامعه‌ای بنا نهیم که به فرد انسان‌ها نیازمند است و عدالت و انسانیت را ارزانی می‌دارد."

چرخشی که قادر شود مفهوم نوینی از سوسیالیسم را بنیان گذارد و جوهره سوسیالیسم را به مثابه نظامی انسانی که در آن تکامل آزاد مردم فرد شرط تکامل آزاد همگان است (مانیفست) متحقق کند، بی‌تردید در آینده‌ای نه چندان دور قادر خواهد شد بر تبختر کنونی دشمنان سوسیالیسم نقطه پایان گذارد.

جامعه بودند، رهبری حزب مبتکر این چرخش نبوده است. تنها تشدید فشار از جانب مردم و اعضای حزب، میدان را برای انجام تغییرات در ترکیب رهبری حزب و گذار به فاز نوسازی را فراهم ساخت. روندی که با انتخاب کرتس به سمت دبیرکل جدید آغاز شد و با انتخاب مودرف به نخست‌وزیری تداوم یافت، یقیناً در کنگره ماه آتی حزب تکمیل خواهد شد. این امر عکس‌العمل حزب در برابر فشار از پایین را نشان می‌دهد.

پیام نشست اخیر کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان هزم این حزب را جهت اینکه در یک کارزار دمکراتیک برای ایفای نقش در زندگی سیاسی و ایفای نقش رهبری، مبارزه کند نشان داد. اکنون این شناخت حاصل می‌شود که حزب باید به‌وسیله رقابت، کار سخت‌کوشانه و نقد بی‌پروای خطاهای خود، در یک انتخابات آزاد به‌مثابه نیروی راهبر جامعه به رسمیت شناخته شود. هیچ اکثریتی در برابر این امر وجود ندارد، البته اگر همه اینها نیز انجام گردد، باز نمی‌توان تحقق قطعی هدف فوق را تضمین کرد. زیرا مردم جمهوری دمکراتیک آلمان تنها مایل نیستند بتوانند در مورد کمبودها و نگرانی‌های خود صحبت کنند بلکه همچنین مایلند این کمبودها و نگرانی‌ها از میان برداشته شود. اگر حزب متحده سوسیالیست بخواهد در مبارزه

مجازات‌ها، تصویب قانون اجتماعات و مطبوعات، کنترل شدیدتر بر پلیس و نیروهای امنیتی و اصلاحات اقتصادی را از اجزای این دگرگونی‌های قریب‌الوقوع دانست.

هانس مودرف، نخست‌وزیر جدید جمهوری دمکراتیک آلمان، ایجاد موقعیت بحرانی در کشور و حزب را ناشی از ارزیابی‌های غلط. زیباسازی‌های مصنوعی و اشتباهات سنگین رهبری گذشته دانست. به گفته او تلخکامی بر حزب حاکم است. چرخشی که آغاز شد. می‌طلبید که کار مجلس خلق شکل نوینی به خود گیرد و حزب متحده سوسیالیست آلمان نوسازی شود. اعضای مجلس باید نمایندگان واقعی خلق باشند. مودرف حزب را از تردید و پیشه‌کردن صبر و انتظار بر حذر داشت. به گفته او تردید و صبر و انتظار فشار را افزایش خواهد داد.

بی‌تردید چرخشی که در جمهوری دمکراتیک آلمان در راستای یک سوسیالیسم دمکراتیک و نوسازی شده پدید آمده است، محصول فشاریست که در ماه‌های اخیر به‌وسیله راه‌پیمایی‌ها، اجتماعات و ایجاد گروه‌های سیاسی نوین از پایین بر رهبری کشور وارد آمده است. موج اعتراضات توده‌ای و خروج اهالی از کشور همق نارضایتی مردم از اوضاع رایج کرده است. هلیرقم اینکه اکثریت اعضای حزب متحده سوسیالیست آلمان خواهان اصلاحات در حزب و

جمهوری دمکراتیک آلمان در هفته گذشته شاهد تحولات شگرفی بود. ابتدا دولت این کشور استعفا داد و دولتی جدید به نخست‌وزیری هانس مودرف که اخیراً به عضویت هیئت سیاسی انتخاب شده است، تشکیل شد. پس از استعفا دولت، هیئت سیاسی حزب نیز اعلام انحلال کرد و از میان ۲۲ نفری که عضو آن بودند تنها ۶ نفر به عضویت هیئت سیاسی جدید برگزیده شدند که همه آنها به طرفداری از اصلاحات رادیکال شهرت دارند. برجسته‌ترین آنها هانس مودرف است که در سال‌های اخیر بارها رهبری حزب را از موضع طرفداری از اصلاحات، هلنا مورد انتقاد قرار داده بود.

و بالاخره مردم جمهوری دمکراتیک آلمان اجازه یافتند بدون روادید، با به همراه داشتن گذرنامه یا شناسنامه به آلمان غربی مسافرت کنند. مجموعه تحولات فوق بیانگر نقطه عطفی در تاریخ جمهوری دمکراتیک آلمان و بشارت‌دهنده تعیین روند دگرگون‌سازی در این کشور است. کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان در روز پنج‌شنبه هفته گذشته کنگره حزب را برای اواسط ماه دسامبر سال جاری فراخواند. برگزاری این کنگره در هفته‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای سوی اعضا و کادرهای حزب متحده سوسیالیست آلمان مطالبه شده بود. هانس مودرف، در نشست کمیته مرکزی به نوسازی هاجل حزب فراخواند و تاکید کرد که مسئله به موجودیت حزب و سوسیالیسم در جمهوری دمکراتیک آلمان مربوط می‌شود. اتحاد شوروی از تحولات اخیر در هیئت سیاسی حزب متحده سوسیالیست آلمان استقبال کرد. گراسیموف، سخنگوی وزارت خارجه اتحاد شوروی، گفت این تغییرات مطمئناً شرایط را بهبود خواهد بخشید. آگون کرتس در روز چهارشنبه گذشته انجام دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جمهوری دمکراتیک آلمان را اعلام کرد. او هدف این دگرگونی‌ها را یک سوسیالیسم نوسازی شده عنوان کرد. کرتس منجمله دمکراتیزاسیون حزب و جامعه، انجام انتخابات آزاد، برسمیت شناختن گروه‌های سیاسی جدیدالتاسیس، سیاست‌زدائی

## هنگام برچیدن بلوک‌های نظامی فرا رسیده است

بنابه گزارش روزنامه پروادا، اتحاد جماهیر شوروی نیروهای نظامی خود را به ۲۳۵۰۰۰ نفر تقلیل داده است. تاکنون بیش از نیمی از طرح خلع سلاح اعلام شده توسط گارباچف در سال ۱۹۸۸ به انجام رسیده است. اجرای کامل طرح مزبور تا پایان سال آینده به انجام خواهد رسید. تعداد ۷۱۲۰ تاکن، ۱۹۶۴ توپ و ۷۳۵ بمب افکن منهدم شده‌اند. به علاوه حدود ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای نظامی شوروی از اروپای شرقی و مغولستان فراخوانده شده و واحدهای آنها منحل گشته‌اند. در میان نظامیانی که از صفوف ارتش مرخص شده‌اند، ۶۵۰۰۰ افسر و ۲۰۰۰۰ درجه‌دار بوده‌اند. به‌گفته روزنامه پروادا مناطق نظامی آسیای میانه و اورال دیگر وجود ندارد. به عقیده مارشال سرگی اشرومیف، رئیس سابق ستاد کل ارتش و مشاور نظامی میخائیل گارباچف، اکنون تسریع در امر خلع سلاح به ایالات متحده آمریکا بستگی دارد. وی در مصاحبه‌ای با مجله خبری تایم گفت ایالات متحده نباید تصور کند که قادر است با استفاده از مشکلات

## جمهوری دمکراتیک آلمان:

### باید به انحصار قدرت پایان داد



پروفسور کوسینگ

تعیین کننده‌ای پدید آورد. بسیاری امور به این وابسته است که حزب ما موفق شود اعتماد از دست رفته را بازیابد تا با همه کسانی که بر روی قانون اساسی ما ایستاده‌اند و نظرات مختلفی دارند، پیرامون راه آینده به اتفاق نظر دست یابد.

ضمناً من دلیلی نمی‌بینم بنیادهای نظری اجتماعی خود را در کلیت آن بدور بریزم. کاری را که برخی از ما هجولانه به آن مبادرت می‌کنند. اکنون نیز مثل سابق تعیین کننده‌ترین حیطة تحولات انقلابی و موتور هرگونه تحول دیرپا در نیروهای مولده و به این ترتیب در انقلاب علمی - فنی نهفته است.

چنان نسبت به این حکم تخطی نشده است؟

کوسینگ: بله، این حکم به صورت خیلی تکنوکراتیک به کار برده شده است. در این خصوص نسبت به این که جامعه یک کل ارگانیک است و بنا بر این باید یک برنامه برای کل جامعه پیش‌برده شود بی‌توجهی شده است. امر مزبور در برنامه گنجانده شده اما در سیاست عملی پیاده نگردید. به همین خاطر روز به روز سوانتاهات همیقتری به وجود آمدند. این سوانتاهات پیشرفت‌های اقتصادی را که ما در مرزهای معینی به دست آوردیم بی‌رمتق کردند. غیرممکن است بتوان به مدت طولانی چنان حیطة‌های تعیین کننده‌ای نظیر ساختار زیربنایی اقتصادی، صنایع معدنی و خدمات را مورد بی‌توجهی قرار داد.

نقش پیشاهنگ حزب متحده سوسیالیست آلمان نزد بسیاری از مردم جمهوری دمکراتیک آلمان مورد انتقاد قرار گرفته و زیر سؤال رفته است.

کوسینگ: به عقیده من یک جامعه سوسیالیستی به یک نیروی رهبری کننده توسط طبقه کارگر و حزب آن نیاز دارد. این نیاز از نقش اجتماعی، تولیدی، سیاسی و ایدئولوژیک طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی برمی‌خیزد. این نیاز از دست‌آوردهایی برمی‌خیزد که حزب طبقه کارگر برای تکامل اجتماعی به ارمغان آورده است. این دست‌آوردها را

درک سیاسی خود را بنیاداً تغییر داده و نوسازی کند. این واقعیت سبب شده است که مجموعه صحنه سیاسی، روح تازه‌ای به خود بگیرد. سوسیالیسم به این روح نیاز دارد، وگرنه بدون آن قادر به بقا نیست.

تظاهرات خیابانی و روند مباحثه چه نقشی بازی می‌کند؟

کوسینگ: مایلم تأکید کنم، توده زحمتکشان که در چنین تظاهرات و اجتماعات بزرگی، اراده و نارضایتی خود را پیرامون بسیاری از نابسامانی‌ها و خطاها ابراز نمود، به میزان زیادی از خود پختگی سیاسی نشان داد. این بدین معناست که ما پایه محکمی داریم و می‌توانیم بر این پایه به سازندگی بپردازیم.

سیاست مطبوعاتی که اخیراً دگرگون شده چه نقشی ایفا می‌کند؟

کوسینگ: آزادی مطبوعات که آن همه به تعویق انداخته شد، و با انواع محدودیتها و اعمال فشارها پایمال شده بود، اکنون در بسیاری نقاط برقرار شده است. به هیچ‌گونه دیگری هم نمی‌شود یک روند تقاضم دمکراتیک را به پیش برد. در این روند، حزب متحده سوسیالیست آلمان در کجا ایستاده است؟

حزب ما به وسیله این روند به حرکت درآمده است. در اینجا باید مساله را تفکیک کرد. درون حزب ما از مدتها قبل، جنبشی قوی و یک فشار شدید بر رهبری، جهت فعال شدن وجود داشت. از سوی دیگر رهبری قادر به درک موقعیت نبود، اوضاع را نادرست ارزیابی می‌کرد. قدری ناشنوا و نابینا و در کوران حوادث بهت زده و ناتوان بود. این وضعیت، حزب ما را در شرایطی بحرانی و تعیین کننده - این را باید با روح انتقاد از خود مورد قضاوت قرار داد. فلج کرد. نه همه حزب، اما رهبری آن دارای آمادگی نبود. پلنوم نهم با انتخاب اکنون کرنس تازه آغاز به چرخش کرد. من موکداً می‌گویم آغاز، چرا که این گام‌ها باید ادامه یابند. باید آشکار بگویم، تاکنون فقط بخشی از رهبری نیرو و روح مبارزه‌جویی را از خود آفریده است.

به عقیده من، پلنوم دهم باید از این جنبه، تغییرات

نشریه عصر ما، ارگان حزب کمونیست آلمان فدرال، دو هفته پس از روی کار آمدن آگون کرنس مصاحبه‌ای با پروفسور کوسینگ دکتر فلسفه و عضو آکادمی علوم جنب کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان، ترتیب داد. برای آشنایی بیشتر خوانندگان به تحولات اخیر جمهوری دمکراتیک آلمان ترجمه این مصاحبه را به چاپ می‌رسانیم:

عصر ما: آیا می‌توان از وقوع دگرگونی در جمهوری دمکراتیک آلمان سخن گفت؟

کوسینگ: ۱۴ روز زمان اندکی است. به نظر من مهمترین مسئله این است که در رهبری ما این شناخت حاصل شده که نوسازی بنیادین جامعه ما در همه حیطة‌ها در دستور روز است. آنچه از نظر سیاسی اهمیت تعیین کننده دارد این است که جامعه باید ساختار سیاسی، مکانیسم‌های عملکرد سیاسی و در مفهوم معینی نیز

سیاسی داخلی اتحاد شوروی، این کشور را به خلق سلاح یک جانبه وادار کند. اگر چنین امیدهایی در آمریکا وجود دارند "همیما نادرستند زیرا آنجایی که منافع امنیت ملی اتحاد شوروی مطرح است ما هیچ‌گونه بذل و بخششی نخواهیم کرد."

وی افزود اتحاد شوروی و متحدین آن روزی را پیش‌بینی می‌کنند که دگرگونی‌هایی در هر دو پیمان ورشو و ناتو به وجود می‌آید. "ما آماده‌ایم بنشینیم و پیرامون القای هم‌زمان هر دو بلوک نظامی مذاکره کنیم... نتیجه این امر می‌تواند تا حدودی به "هدم ثبات" منجر شود... زیرا جهان بر پایه این دو بلوک بنا شده... اما ما آماده برداشتن این قدم می‌باشیم"

مارشال اشرومیت با اشاره به قدم‌های یک جانبه اتحاد شوروی پیش نهاد کرد که غرب نیز پایگاه‌های نظامی خارجی خود در اروپا را تقلیل دهد. سیستم کنونی در اواخر سال‌های ۴۰ و طی سال‌های ۵۰ به وجود آمد و تاریخ خاص خود را دارد. اما امروز دیگر دلیلی برای نگاهداری پایگاه‌های نظامی وجود ندارد. زمان آن رسیده که ایالات متحده نیز در این باره تأمل کند.

نمی‌توان نفی کرد و با اثبات خطاها، نقش رهبری کننده حزب را بی‌اعتبار اعلام نمود. اما نقش رهبر حزب متحده سوسیالیست آلمان تنها زمانی می‌تواند حفظ شود که این حزب، در روند آغاز شده، با نظر به آینده و به طور هدفمند به مثابه نماینده بزرگترین نیروی اجتماعی نقشی جذاب ایفا کند و منافع دیگران را تضمین نماید. این مسئله هیچ ربطی به انحصار قدرت ندارد. بی‌تردید گرایش به انحصار قدرت وجود داشته است. باید بر چنین گرایشاتی فلبه شود. آیا این به مفهوم جدایی حزب و دولت است؟

کوسینگ: به نظر من آری. این در هم آمیزی که بر مبنای اساسنامه غیرمجاز بود اما در پراتیک وجود داشت، باید از بین برود. باید کاملاً آشکار باشد که کادرهای حزب ما وظایف سیاسی ایدئولوژیک دارند نه اختیارات فرماندهی.

به عقیده من ما تجارب صدها سال دمکراسی بورژوازی را دست‌کم گرفتیم. از جمله به ساختارها و مکانیسم‌هایی که قادرند سوانتاهات از قدرت را مانع شوند بی‌توجه بودیم. ما در جامعه خود نیز به اصل تقسیم قوا نیاز داریم. مجلسی که به مثابه حق حاکمیت خلق به وسیله خلق انتخاب می‌شود باید به عالی‌ترین ارگان قدرت بدل شود. حکومت نباید چیزی بیشتر یا کمتر از مأمور این نمایندگی خلق و موظف به حساب پس‌دادن به آن باشد. در جامعه ما نمایندگی خلق در بسیاری از جنبه‌ها گوش فرمان قدرت اجراییه بود. این باید آشکاراً توضیح داده شود. باید مرجعی وجود داشته باشد که در صورت درخواست اهالی، قانونیت مصوبات را مورد بررسی قرار دهد.

ما در تلاش برای چنان تحولی هستیم که یک دولت قانونی سوسیالیستی پدید آید.

## گوناگون

شرکت‌های "مضاربه‌ای"  
محصول اقتصاد بیمار کشور

روز به روز بیشتر قدرت خرید خویش را از دست می‌دهند، دنبال کار دوم و سوم و یا ممر دیگری برای گذران زندگی باشند. شرکت‌های مضاربه‌ای و افرادی که دست اندر کار مضاربه هستند کسب پر سود خود را بر همین عامل بنا نهاده‌اند. آنها پول مردم را می‌گیرند و ماهانه سودی به آنها

سیرازه از هم گسیخته اقتصاد کشور روز به روز سرمایه‌های سرگردان را به مجراهای جدیدی در مرصه سرمایه‌گذاری‌های غیر تولیدی و همدتا دلالتی هدایت می‌کند. امروزه پدیده‌ای نو و پر رونق به نام شرکت‌های مضاربه‌ای به لیست بورس‌های مختلف از قبیل بورس طلا، مسکن، اتومبیل و



می‌پردازند. جاذبه این کار در جامعه به دلیل نیاز مردم به قدری بالا است که بسیاری ترجیح می‌دهند فرش، ماشین و لوازم منزل خود را بفروشند و پول آن را به مضاربه دهند و هر ماه از این طریق درآمدی بدست آورند و گذران زندگی کنند. این شرکت‌ها در قبال دریافت ۱۰۰ هزار تومان ماهیانه ۳ تا ۴ هزار تومان به مشتری بر می‌گردانند که نزدیک به حقوق یک ماه یک کارمند است.

در میان مشتریان این شرکت‌ها از بیوه زن ۷۵ ساله تا دانشمویی که با پرداخت ۵۰ هزار تومان و دریافت ماهانه ۲ هزار تومان دخل زندگی می‌کند پیدا می‌شوند.

فایده‌افزوده شده است. شرکت‌های مضاربه‌ای با جمع‌آوری سرمایه‌های خرد مردم صاحب سرمایه‌های نجومی می‌شوند و با کار بست آن در کارهای تجاری و دلالتی سودهای سرسام‌آوری به جیب می‌زنند.

فشار اقتصادی بر مردم آنها را وادار می‌کند هلیرفم نبود هرگونه تضمینی، اندوخته و داروندار خود را به دست این شرکت‌ها بسپارند تا از راه اخذ سود آن گوشه‌ای از مایحتاج و هزینه سنگین زندگی را تأمین کنند.

وضعیت و خیم اقتصادی باعث شده است که اقشار مختلف مردم به ویژه کارمندان و کارگران که

قهرمان شطرنج جهان  
کامپیوتر قهرمان جهان  
را شکست داد

گاری کاسپاروف، قهرمان شطرنج جهان، قهرمان جهان کامپیوترها را که "همیق فکر" نام دارد، در دو دور شکست داد. قهرمان ۲۶ ساله اهل شوروی، که از سال ۱۹۸۱ تاکنون در هیچ دور از مبارزه، شکست نخورده است، در دور اول دیدار مزبور را طی دو ساعت و نیم و پس از ۵۲ حرکت پیروزی به پایان رساند. "همیق فکر" پس از این حرکت بازی را واگذار کرد. در دور دوم کامپیوتر مزبور در همان ۴ ساعت اول و پس از ۳۷ حرکت تسلیم شد. کاسپاروف از پیروزی خود متعجب نشد. او گفت انتظار این پیروزی را نداشته است. به عقیده وی، "همیق فکر" بازیکن خوبی است اما تجربه ندارد. قهرمان جهان در طی بازی خیلی زود به این باور رسید که کامپیوتر قادر نیست برای او خطرناک شود زیرا که موقعیت‌های زیادی را از دست داده و در موقعی نبوده که تصمیمات حریف را تجزیه تحلیل کند. کاسپاروف گفت "شطرنج بسی بیش از حساب کردن صرف است." "شطرنج حتی بالاتر از منطق است." "ماشین الکترونیک فقط این حسن را دارد که روحیه خود را از دست نمی‌دهد. اما او فاقد قوه تخیل، شناخت بی‌واسطه و اندوخته اندیشه‌ایست."

قهرمان جهان گفت برایش فرق نمی‌کند که در مقابل چه کسی بازی می‌کند. او شیوه بازی "همیق فکر" را هجومی و ساده قلمداد کرد. کاسپاروف افزود "اگر کامپیوتر آغاز به بردن میکرد، آنگاه من متعهد بودم آن را به مبارزه بطلبم تا از نژاد انسانی پشتیبانی کنم."

"همیق فکر" که پس از قلبه بر همه ماشین‌های شمارگر جهان، به مقام قهرمانی کامپیوترهای جهان در شطرنج دست یافته است، قادر است ۷۰۰۰۰۰ موقعیت مختلف را در هر ضلع یک ثانیه تجزیه - تحلیل کند و تا بیست حرکت را پیشاپیش حساب نماید. این کامپیوتر سال گذشته، بنت لارسن، استاد بزرگ شطرنج از دانمارک را شکست داده بود.

کره زمین  
و انفجار جمعیت

شهرهای بزرگ کشورهای "جهان سوم" در گسترش دائمی بسر می‌برند و به همراه آن، تضادهای اجتماعی نیز رشد می‌یابند. به هنگام چرخش قرن، ۱۷ مرکز از مجموع ۲۰ مرکز بزرگ تجمع انسانی کره زمین در کشورهای در حال رشد قرار خواهند داشت. در آن زمان شهرهایی نظیر ساووپولو و مکزیکو ۲۵ میلیون سکنه خواهند داشت. سازمان بین‌المللی کار در روز دوشنبه هفته گذشته با توجه به رشد شهرنشینی، نسبت به بی‌توجهی به این تحول در طی سالهای آتی، هشدار داد.

در اکثر شهرهای بزرگ کشورهای "جهان سوم" اکنون از هر چهار نفر، یک نفر در بدترین نوع فقر بسر می‌برد. این وضعیت بنا به تحقیقات اخیر سازمان مزبور محتملاً تشدید خواهد شد. به گفته این سازمان "اگر برای فقرکاری صورت نگیرد آنگاه مناطق فقرزده، بی‌نواهی، جنایت و ناآرامیهای اجتماعی افزایش خواهند یافت." ۲۰ میلیون نفر مردم در مناطق مزبور شدیداً محتاج آب آشامیدنی، موسسات و خدمات پزشکی، بهداشتی و آموزشی هستند.

تحقیقات سازمان ملل متحد نیز نتیجه‌گیری مشابهی بدست داده است. این تحقیقات در کنفرانس بین‌المللی آمستردام تحت عنوان رشد جمعیت در قرن ۲۱ منتشر شد. در این کنفرانس نمایندگان از بیش از ۸۰ کشور جهان شرکت داشتند. بر مبنای تحقیقات مزبور جمعیت جهان هر ۱۱ سال یک میلیارد افزایش می‌یابد. به این ترتیب در سال ۲۰۲۵ بین ۸/۵ الی ۹/۵ میلیارد نفر در کره زمین انباشته خواهند شد. به عقیده محققین مذکور این رقم نه فقط یک مشکل خطرناک برای محیط زیست و ساختار اجتماعی کشورها بلکه تعدیدی برای توسعه مداوم و صلح‌آمیز محسوب می‌شود. به نظر خانم نفیس صدیق، مدیر پاکستانی مؤسسه تحقیقاتی مزبور، تصامیم دولتها در خصوص این تعدید طی ۱۰ ساله آتی "اهمیت خطیری" خواهد داشت.



پول‌هایی که به مضاربه گران پرداخته می‌شوند همیشه سودآور نیستند اغلب اتفاق می‌افتد که سرمایه‌های مردم کلاهبرداران بالا کشیده می‌شود. پرونده‌های موجود در دادگستری و صفحات روزنامه‌های کشور از روزمره بودن این اتفاقات حکایت دارند.

ولی با وجود آن مردم دل به دریا می‌زنند و پولی را که با هزار مکافات و قرض و فروش لوازم منزل و زیور آلات همسر آماده کرده‌اند دو دستی تقدیم می‌کنند. این در حالی است که از طرف دولت هیچ‌گونه کنترلی بر امور این شرکت‌های نوظهور وجود ندارد. سرمایه‌های کلانی که از این طریق جمع آوری می‌شوند برای آنکه بتوانند هم سود مشتریان خود را تامین و هم جیب مضاربه‌گران را پر کنند، همواره در کانال‌های دلالی به کار گرفته می‌شوند، چرا که در حال حاضر و در شرایط نابسامان امروزی اقتصاد کشور،

سرمایه‌گذاری در تولید نمی‌تواند تامین کننده سودهای بی‌حساب و کتاب باشد. ذکر یکی دو نمونه از کارکرد شرکت‌های مضاربه‌ای معترف خوبی بر چگونگی کاربست سرمایه‌ها و کسب سودهای کلان است.

یکی از این شرکت‌ها در عرض یک روز از ۷۰ نفر جمعاً ۷ میلیون تومان پول می‌گیرد. با این پول فوراً یک خانه می‌خرد و چند روز دیگر آنرا به مبلغ ۷/۵ میلیون می‌فروشد. از ۵۰۰ هزار تومان سود باقی مانده ۲۸۰ هزار تومان به سرمایه‌گذارها می‌دهد و ۲۲۰ هزار تومان را به جیب می‌زند.

و یا سال گذشته یک شرکت مضاربه‌ای یک کشتی حامل پارچه را روی آب به قیمت یک میلیارد تومان براساس متری ۹۰ تومان معامله می‌کند. این شرکت پارچه‌ها را پس از تخلیه متری ۳۰۰ تومان به دلان و واسطه‌ها می‌فروشد. از این معامله شرکت ۲ میلیارد تومان سود می‌برد.

نمونه‌های فوق دلیل کافی بر هلت گسیل این سرمایه‌ها در کانالهای تجاری و دلالی می‌باشند و احتیاج به توضیح بیشتر در این مورد نیست. جالب توجه آنکه این شرکت‌ها و موسسات علاوه بر اینکه از هر گونه نظارت و کنترلی فارغند، اکثراً از پرداخت مالیات نیز معاف می‌باشند.

نیکولای ایوانوویچ بوخارین یکی از مشهورترین قربانیان تصفیه‌های استالین بود. اخیراً خاطرات همسر او، اناکارینا بوخارینا، انتشار یافته است. مادر این شماره بخشی از این خاطرات که میراث "فرزند محبوب حزب" (لنین) را بازتاب می‌دهد منتشر می‌کنیم:

... نیکولای ایوانوویچ به لحاظ روانی آماده بود که دستگیر شود و با زندگی بدرود گوید او هلیرفم این دورنما، آنقدر آرام و بر خود مسلط بود که مرکز در آن ماه‌های زجرآور "تحقیق" سابقه نداشت او که امید هفتو خود را از دست داده بود تصمیم گرفت به آیندگان رجوع کند و نامه‌ای به نسل آینده رهبران حزبی بنویسد. او در آن نامه بی‌گناهی خود را نسبت به همه جنایات منتسب توضیح داد و تقاضای پذیرش مجدد به حزب را پس از مرگ خود کرد.

قرار است:  
به نسل آینده  
رهبران حزبی

من زنده نخواهم ماند. من سر خود را در برابر داس جنگی پرولتاریا، که باید بی‌رحم اما نیز اخلاقاً پاکیزه باشد، خم نمی‌کنم. من ضعف و بی‌حسی خود را از ماشین جهانی‌ای احساس می‌کنم که حتی با کاربست روشهای ترونی و ستمی نیروی ضربتی هژمونی در اختیار گرفته است، اتهامات سازمان یافته سر هم بندی می‌کند و خون سرد و با اعتقاد پیش می‌تازد. دژژینسکی دیگر زنده نیست سنن بزرگ چکاء در هنگامی که اندیشه انقلاب همه اقدامات را رهبری می‌کرد؛ در مقابل دشمن پر قدرت پیش می‌رفت و کشور را در برابر هر ضدانقلابی حفظ می‌کرد؛ فراموش شده است. سازمان‌های

## نامه بوخارین به آیندگان

من بیست و سه ساله بودم بوخارین اعتقاد داشت زمانی را که قادر باشم نامه او را به کمیته مرکزی حزب تحویل دهم، خواهم دید اما از آنجایی که او اطمینان داشت نامه به هنگام تجسس صادره خواهد شد و نگران بود که در این صورت، من مورد اذیت و آزار واقع شوم (او حدس نمی‌زد بدون نامه هم چنین چیزی اتفاق بیفتد) از من خواست نامه را در ذهن خود حفظ کنم تا او بتواند نسخه دست نویس را نابود کند. بوخارین بارها نامه را برابم خواند و من مجبور بودم آنرا بلافاصله تکرار کنم و سپس نامه را بخوانم و آنرا بیان کنم. آه، هنگامی که من اشتباهی در بیان نامه مرتکب میشدم چقدر او بی‌تاب می‌شد. او وقتی مطمئن شدن من متن را دقیقاً بیاد می‌آورم نسخه را نابود کرد. .. سال‌های زیادی نامه میراث نیکولای ایوانوویچ (بوخارین) را در حافظه خود نگاه داشتم. در تبعید، بارها نامه را یادداشت کردم اما از ترس اینکه کشف شود، دوباره آنرا نابود کردم. فقط بعد از آنکه متن را در سال ۱۹۵۶، پس از کنگره بیستم حزب، دوباره نوشتم، دیگر آن را نابود نکردم. بر برگهایی که بر اثر مرور زمان زرد شده است آن را تا امروز حفظ کرده‌ام. متن کامل نامه ن. ای. بوخارین بدین

چکا به همین خاطر اعتماد ویژه، افتخار ویژه، نفوذ و احترام کسب کرده بودند.

امروز ارگان‌های مزبور به طور عمده سازمان‌های قلب شده متشکل از ماموران بی‌اعتقاد، بی‌هویت و تامین شده‌ای می‌باشند که با سوء استفاده از اتوریته سابق چکا مطابق شکاکیت بیمارگونه استالین (برای آنکه بیشتر نگفته باشم) در شکار مقام و مدال افتخار، معاملات زیانبار خود را پیش می‌برند. اما نادیده می‌گیرند که به این وسیله در همین حال خود را نابود می‌کنند زیرا تاریخ شاهان معاملات کثیف را تحمل نمی‌کند!

این ارگان‌های "معجزه ساز" قادرند هر عضو کمیته مرکزی و هر عضو حزب را بر خاک بمانند، به خائن و تروریست، برهم زنده نظم و جاسوس تبدیل کنند. اگر استالین به خود نیز مشکوک می‌گردید، تا بیاد آن، توسط سازمان مزبور جلو پایش افکنده می‌شد.

اگر ایامی تهدیدگر بر فراز حزب در حرکت اند تنها سر بی‌گناه من، هزاران سرب‌بی‌گناه دیگر را به دنبال خود خواهد کشید. باید یک "سازمان بوخارینی" جعل شود. چنین سازمانی نه فقط اکنون که من هفت سال است کوچکترین اختلاف نظری با حزب نداشته‌ام،

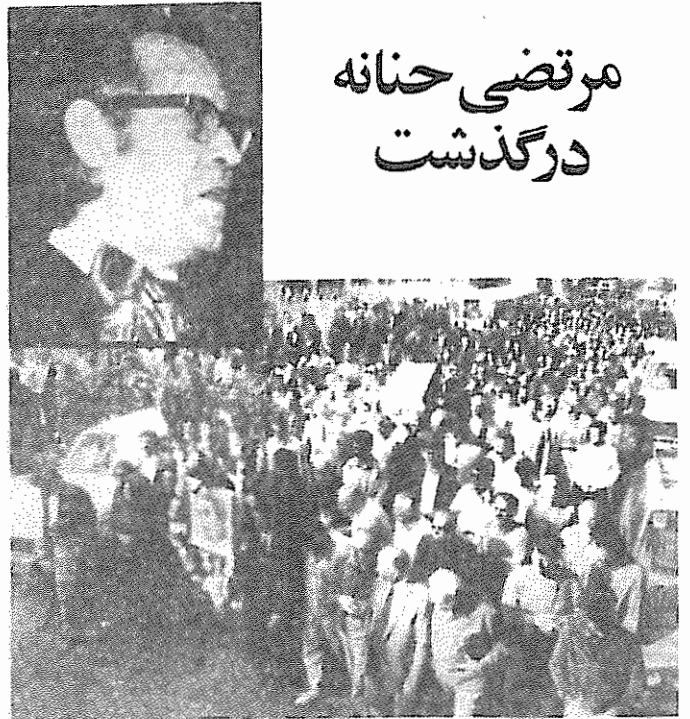
بلکه آن زمان نیز، در سالهای اپوزیسیون راست، وجود نداشته است. من از سازمان‌های مخفی "ریوتین" و "اوتلانو" هیچ چیز نمی‌دانستم. من به همراه ریکوف و تومسکی، نظرات خود را آشکارا نمایندگی می‌کردم.

از ۱۹ سالگی عضو حزب هستم و هدف زندگی من همواره مبارزه در راه منافع طبقه کارگر و برای پیروزی سوسیالیسم بوده است. در این روزها روزنامه‌ای که نام مقدس "پراودا" را یکدک میکشد رذیله‌ترین دروغ‌ها را مبنی بر اینکه گویا من، نیکولای بوخارین، قصد داشتم دستاوردهای اکتر را نابود کنم و سرمایه‌داری را دوباره احیا نمایم اشاعه می‌دهد. این یک بی‌شرمی غیر قابل باور است این دروغی است که حد بی‌شرمی و بی‌مسئولیتی آن فقط با این قابل مقایسه است که ادعا شود نیکولای رومانوف (آخرین تزار روسیه) همه زندگی خود را وقف مبارزه علیه سرمایه‌داری و سلطنت، و در راه تحقق انقلاب پرولتری کرده است. اگر من در مورد روشهای ساختمان سوسیالیسم بیش از یک بار دچار اشتباه شده‌ام، بگذار نسل‌های آینده مرا شدیدتر از آنچه ولادیمیر ایلیچ کرد، محکوم کنند. ما برای نخستین بار در راه هدف مشترک قدم می‌گذاشتیم. راهی که هنوز هموار نشده بود. آن دوران، دوران دیگری بود و سنت‌های دیگری وجود داشت. در "پراودا" یک صفحه مباحثه چاپ می‌شد! همه مناظره می‌کردند، راه‌های مختلف را می‌جستند، دهوا می‌کردند، دوباره صلح می‌نمودند و به طور مشترک به راه خود ادامه می‌دادند.

من شما، نسل‌های آینده رهبران حزب‌را، فرا می‌خوانم. این وظیفه، جزئی از رسالت تاریخی شماست که کلاف فول‌آسای جنایت را که در این روزهای وحشت‌بار هرچه پر قدرت تر می‌شود، شعله می‌کشد و حزب را خفه می‌کند، از هم بکشاید.

من همه اعضای حزب را فرا می‌خوانم! در این احتمالاً آخرین روزهای زندگی خود، اطمینان دارم تاریخ دیر یا زود آلودگی‌ها را از سر من خواهد شست. من هرگز خائن نبوده‌ام. من برای حمایت از لنین، بدون تردید زندگی خود را می‌دادم. کیروف را دوست داشتم و علیه استالین نیز فکر بدی در سر نداشتم.

## مرتضی حنا درگذشت



موسیقیدان بزرگ، استاد مرتضی حنا در روز دوشنبه ۲۴ مهرماه در بیمارستانی در تهران درگذشت. وی بهنگام مرگ ۶۷ سال داشت. مرتضی حنا در پیوسته استاد و محققین بزرگ در پهنه موسیقی ایران بود. جمع کثیری از هنرمندان،

شاگردان و دوستداران حنا در مراسم بزرگداشت او و هنرش در مراسم تشییع جنازه استاد شرکت کردند. روز شنبه ۲۹ مهرماه جمعیت انبوهی در حالی که قطعاتی از ساخته‌های او (آهنگ هزارستان) پخش می‌شد پیکر حنا را از تالار وحدت تا پل حافظ تشییع کردند. استاد حنا در امامزاده طاهر بخاک سپرده شد. پس از تدفین وی، بر سر قبرش قطعاتی با نی نواخته شد و آوازهایی در سوگش سر داده شد.

مرتضی حنا در سال ۱۳۰۱ در تهران چشم به جهان گشود. او در ۱۲ سالگی وارد هنرستان عالی موسیقی شد و نزد استادان آن به فراگیری "هورن" (از سازهای ارکستر سمفونیک پرداخت). حنا از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ رهبر ارکستر سمفونیک بود. وی سپس برای ادامه تحصیلات خود در موسیقی به ایتالیا رفت. حنا سال ۱۳۴۱ به میهن بازگشت. وی تحقیقات گسترده‌ای را در زمینه دستگاه‌های موسیقی ایرانی، ایجاد ارتباط بین هفت دستگاه آن، کشف یک گام جدید از زمان

ساسانیان و پرده‌بندی ساز بر مبنای آن به انجام رساند. وی نتیجه ۱۳ سال تحقیقاتش در این زمینه را در کتابی به نام "گام‌های گمشده" به چاپ رساند.

مرتضی حنا از موسسین ارکستر سمفونیک تهران و در طی سالها سولیست کر "هورن" در آن بود. تاسیس ارکستر سمفونیک رادیو به نام فارابی نیز به دست حنا صورت گرفت.

از آثار حنا می‌توان کاپریس، صبر و ظفر، اورتوریا، قطعه بزرگداشت نیما، قطعه بزرگداشت فردوسی، مهرگان، موسیقی متن فیلم‌های سرزمین طلای سیاه، بهلول، تله، تپه‌های مارلیک، موسیقی متن سریال تلویزیونی هزارستان و... را نام برد.

برخی از تالیفات مرتضی حنا عبارتند از: گام‌های گمشده، تئوری هارمونی زوج، انسیکلوپدی موسیقی ایران از قدیم تا کنون، واژه‌های متروک، حنا همچنین به ترجمه آثاری چون ارکستراسیون شارل کوکلن در ۵ جلد که ۲ جلد آن انتشار یافته همت ورزید.

## سیاست جدید ارزی و افزایش قیمت‌ها

بقیه از صفحه اول

سیاست‌گذاران رژیم، مقابله با افزایش قیمت‌ها و کنترل بازار ارز است. اما شواهد همه حاکی از افزایش قیمت‌هاست. در این زمینه در گزارش کیهان درباره "کاهش قیمت‌ها و بازار آزاد ارز" نیز آمده است: "روند کاهش قیمت‌ها در حال حاضر بیشتر شامل وسایل خانگی - برقی و... است و در این رابطه ارزاق عمومی که همده نیاز مردم را تشکیل می‌دهند نه تنها کاهش نداشتند بلکه در بعضی موارد، افزایش قیمت نیز داشته است. همدم کاهش قیمت ارزاق بنابه گفته خیل مصرف کنندگان، فروشندگان و عرضه کنندگان جزء حاکی از نیاز روزانه و مبرم مردم به آنهاست." کافی است یادآور شویم که برای نمونه در همان روزهای "مبارزه با افزایش قیمت‌ها" قیمت سیب زمینی به کیلویی ۶۰۰ ریال هم بالغ شد و دولت هلیرفم چارو جنجال زیاد هنوز به مهار آن موفق نشده است. اما اگر این امکان هست که عرضه مثلا سیب زمینی و سایر ارزاقی که نیاز روزانه و مبرم مردم است تحت کنترل مشتری تاجر کلان قرار گیرد و در شرایطی که به

کالاهای تعیین شده قبلی، به قیمت ترجیحی تامین خواهد شد. نامبرده ضمن تشریح طرح اعلام داشت که تولید کنندگان بر اساس این طرح می‌توانند تولیدات خود را با قیمت تمام شده و بدون نظارت ما عرضه کنند. او همچنین ضمن ارائه ارقام کالاهای سنارش شده از خارج طی ۱۰ ماه گذشته، حجم کالاهایی را که بزودی وارد کشور خواهند شد ۳ میلیارد دلار اعلام کرد.

هدف این اقدامات، بزم مقامات رژیم، کنترل بازار ارز و مقابله با افزایش قیمت‌هاست. به دنبال وزیر بازرگانی، وزیر امور اقتصادی و مدیر کل بانک مرکزی نیز در گفتگوهایی با خبرنگاران زوایای دیگری از طرح را گشودند و از جمله تاکید کردند که "سیاست ارزی دولت یک سیاست مستحضر است."

در ادامه این "سیاست مستمر" اعلام شد که: "به موجب این طرح به مسافران هازم خارج از کشور سهمیه ارزی با سقف مشخص اعطای شود."

چنانکه گفته شد هدف از این طرح‌های پی در پی، بزم

رفسنجانی و بر روند بازسازی باقی خواهد گذاشت.

و آیا این سیاست "پیش فروش نقد، بازسازی نسبه" هدف دیگر جمهوری اسلامی یعنی کنترل بازار ارز را تامین خواهد کرد؟ جواب را از زبان دلان ارز در یک گزارش از کیهان بشنویم: گزارش کیهان حاکی از آن است که "قیمت دلار و مارک آلمان فربوی امروز در بازار آزاد ارز نسبت به روز گذشته کمی افزایش یافت." و آنگاه: "بسیاری از دلان ارز پیش‌بینی می‌کنند که طی روزهای اخیر قیمت دلار و مارک باز افزایش یابد و هلت اثر طولانی شدن قیمت دلار در بورس ارز رقابتی بانکهای تجارت و صادرات اعلام داشتند. آنها همچنین تاکید کردند در صورت عدم کاهش قیمت ارز رقابتی از سوی دولت، قیمت ارزهای خارجی در بازار ارز آزاد طی روزهای آتی افزایش خواهد یافت."

کوتاه کلام اینکه سیاست اقتصادی رفسنجانی مشکل بتواند موجب کاهش قیمت‌ها و کنترل بازار ارز شود ولی به سادگی می‌تواند موجب افزایش فشار بر لایه‌های پائینی جامعه، هرز بردن امکانات بازسازی، تثبیت قیمت‌های کمر شکن کنونی و ایجاد زمینه برای انفجار بعدی آن باشد.

تصریح شخص رفسنجانی و نیز وزیر بازرگانی "بر اساس این طرح‌ها تولید کنندگان می‌توانند تولیدات خود را بدون نظارت دولت عرضه دارند"، چرا ممکن نیست سایر کالاها به سرنوشت مشابهی گرفتار نشوند؟

اکنون مسئله این است که ورود کالا نیازمند ارز است، تامین نیازهای ارزی صنایع نیازمند ارز است، "اعطای" ارز مسافران خارج کشور نیز نیازمند ارز است. و این ارزها چگونه تامین می‌شوند؟ راهی که رفسنجانی یافته است چیزی غیر از پیش فروش بیشتر و بیشتر نفت نیست. بدنبال پیش فروش ۱۵۰ میلیون بشکه نفت به شرکت میتسویی در چند ماهه اخیر، چنانکه پیش از این نیز به اطلاع خوانندگان رسید، در همین اواخر نیز ایران قرارداد پیش فروش ۱۵۰ میلیون بشکه نفت دیگر را به جهان شرکت و ۴۰ میلیون بشکه را به یک شرکت فرانسوی منعقد کرده است. همچنین جمهوری اسلامی می‌کوشد قراردادهای مشابهی را با چندین شرکت و کشور اروپایی دیگر منعقد کند. مادر شماره‌های پیشین نشریه توضیح داده‌ایم پیش فروش نفت که تقریبا یگانه منبع تامین ارز ایران است چه اثراتی بر اجرای برنامه‌های دراز مدت

شیلی :

## شکنجه گران و آدمکشان باید حساب پس دهند

جایم کاستیلو، رئیس کمیسیون حقوق بشر شیلی و عضو حزب دمکرات مسیحی این کشور، تحقق این مطالبات را ضروری دانست.

نظامیان از این امر دچار وحشت شده اند. این واقعیت را بیش از همه اظهارات پینوشه در هفته گذشته نمایان می کند. او تهدید کرد که اگر تنهایک موردنیز افراد نظامی دادگاهی شوند، دولت آینده سرنگون خواهد شد. وی طی سخنانی در برابر هواخواهان خود در شمال شیلی گفت اگر مارکسیسم لنینیسم دوباره به مانند حکومت سانوآدور آکنده به خطری برای کشور تبدیل شود آنگاه "ما در مسیر تاریخ به عقب باز خواهیم گشت تا میهن را دوباره از نابودی نجات دهیم" وی افزود ارتش از سخنان برخی سیاستمداران غیرنظامی دایر بر محاکمه شکنجه گران و آدمکشان، مرعوب نخواهد شد.

دولت انتخابی آینده شیلی در زمینه تامین خواست نیروهای دمکراتیک کشور و یا تسلیم به باج خواهی دیکتاتورهای آدمکش موقعیت دشواری خواهد داشت.

در شیلی همچنان دستگیری، شکنجه و ترور دولتی ادامه دارد. در روز ۳۱ اوت ۱۹۸۹ مانوئل استبان، سیاستمدار مخالف پینوشه، در والبارایزو به قتل رسید. در روز ۳ سپتامبر ۱۹۸۹، یکار نگمه، رهبر سازمان میر، در خیابانی در سانتیاگو هدف قرار گرفت و کشته شد. بنا به ارزیابی اپوزیسیون، اعمال فشار تداوم خواهد یافت. تعقیب و پیگرد اکنون به صورت انتخاب انجام می شود. اشخاص تحت تعقیب و خانواده های آنها به طور برنامه ریزی شده تحت مراقبت و مورد تهدید و ارهاب، کشتار و شکنجه قرار می گیرند.

در افکار عمومی، خواست افشای کامل جنایات ارتش و سازمان امنیت بعد از سال ۱۹۷۳ و مجازات هاملین جنایات روز به روز قوی تر می شود. "عدالت"، "حقیقت" و لغو قانون عفو عمومی سال ۱۹۷۸، که بر مبنای آن همه جنایاتی که توسط ارتش انجام شده مورد بخشش قرار می گیرد، شعارهای سیاسی مرکزی اپوزیسیون در کارزار انتخاباتی، که اکنون آغاز شده، هستند.

## انتخابات پارلمان در یونان

انجام محکمی از خود نشان داده است و به این ترتیب موفق گردید آرا خود را افزایش دهد. اما با وجودی که هر دو حزب مزبور بر آرا خود افزودند یک برنده واقعی وجود نداشت. پاولوپولوس درباره هلت کاهش آرا نیروهای چپ اظهار داشت که همکاری نیروهای چپ با محافظه کارها هنوز توسط مردم یونان بر سمیت شناخته نشده است. ما با تصمیم خود قصد داشتیم بر تطب بندی قلیه کنیم و من تصور می کنم مدتی طول بکشد تا مردم این اقدام ما را از نوازیابی کنند. به اعتقاد من، تصمیم ما در درازمدت اثرات مثبتی بر سیاست مان و بر نتایج انتخاباتی داشته باشد.

وی در مورد دورنمای نزدیک عنوان کرد مشکل بتوان گفت اوضاع چگونه پیش خواهد رفت. ما در نشست کمیته اجرایی ائتلاف "چپهای متحد" تصمیم به معرفی دولتی متشکل از شخصیت هایی گرفتیم که برای همه نیروهای سیاسی قابل پذیرش باشد. ما خواهان یک حکومت پیشرو در ارتباط با امور استقلال ملی، محیط زیست و سیاست اقتصادی هستیم.

در روز یکشنبه هفته گذشته انتخابات پارلمان یونان برگزار شد. در این انتخابات نیز به مانند انتخابات قبلی که ۳ ماه پیش برگزار شده بود، هیچ کدام از احزاب بزرگ به اکثریت مطلق آرا دست نیافتند. در این انتخابات در مقایسه با انتخابات ۳ ماه پیش حزب محافظه کار دمکراسی نوبه رهبری کنستانتین میتسوتاکیس ۴۶/۳ درصد آرا نصیب خود ساخت و به این ترتیب ۲ درصد بر آرا خود افزود و ۱۴۸ نماینده به پارلمان اهرام کرد. سوسیالیست ها به رهبری آندره اس پایاندره نو با بدست آوردن ۴۰/۷ درصد، ۱/۵ درصد بر آرا خود افزودند و ۱۲۸ نماینده به مجلس فرستادند. گروه ائتلافی "چپهای متحد" به ۱۰/۸ درصد آرا دست یافت و به این ترتیب بیش از ۲ درصد آرا خود را از دست داد و ۲۱ نماینده به پارلمان اهرام کرد.

تاکیس پاولوپولوس، یکی از رهبران "چپهای متحد" گفت نتیجه انتخابات نشان می دهد که تطب بندی میان "دمکراسی نو" و "پازوک" (حزب سوسیالیست) با هم تشدید شده است. پازوک در سه ماهه گذشته

## انتخابات در اسپانیا

بقیه از صفحه آخر

حفظ کردند اما آنها چهار سال پیشاری خود دارند. اگر حتی فقط یک نماینده سوسیالیست در رای گیری ما قیاب باشد، لایحه های قانونی سوسیالیست ها رای نخواهد آورد و اگر شرایط سیاسی ویژه ای در میان اپوزیسیون پدید آید، آنها می توانند با یک رای عدم اعتماد، حکومت را ساقط کنند.

نماینده اول اتحاد چپ، کمونیست شهر، خلیو آنگویتا ائتلاف انتخاباتی با سایر نیروهای دمکراتیک برای ممانعت از سیاست های ضد منافع مردم را منتفی نمی داند. زیرا تردیدی نیست که فیلیپ گونزالس هلیرقم همه زبان بازیهای خود، می خواهد روند مدرنیزه کردن اقتصادی را بر دوش مردم به پیش برد. کاهش آرای انتخاباتی سوسیالیست ها نخستین هشدار می باشد. قرار است تشکیل حکومت از ۲۱ نوامبر تا ۸ دسامبر صورت گیرد.

## در نامیبیا



سر انجام پس از سال ها انتظار، هفته گذشته در نامیبیا انتخابات برگزار گردید.

## رئیس جمهور جدید لبنان

رقابت جمهوری اسلامی  
با دولت آمریکا در اشاعه تروریسم دولتی

امریکایی‌ها و عوامل مستقیم و غیرمستقیم آنها که در محاکم قضایی ایران محکوم شده‌اند اقدامات لازم را به عمل آورد.

این طرح شامل تبصره‌هایی نیز می‌باشد که به موجب آنها کلیه کشورهای که با آمریکا در ربودن اتباع ایران و یا توطئه علیه جان آنها همکاری نمایند مشمول این ماده واحده می‌باشند و اتباع و عوامل آمریکا و سایر کشورها در دادگاه‌های داخل کشور بر جنبای قضای اسلامی محاکمه خواهند شد.

هر چند تاکنون نیز تروریسم دولتی آمریکا و جمهوری اسلامی بدون هیچ مصوبه و قانونی در اقصا نقاط جهان مشغول ترور و قتل و آدم‌ربائی بود اما منبهد حضرات با تصویب ماده واحده قانونی، "قانونا" دست به این گونه اقدامات خواهند زد.

مدتی پیش کنگره آمریکا طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن رئیس جمهور آن کشور حق دارد جهت دستگیری و مجازات محکومین محاکم قضایی آمریکا در هر کشور و با هر تابهیتی اقدام نماید. این تصمیم نقض آشکار حقوق بین‌الملل و تجاوز به حق حاکمیت سایر کشورهاست.

جمهوری اسلامی که همواره سعی دارد در هر صهه اقدامات تروریستی و ماجراجویانه گوی سبقت را از حریفان خود برآید و دست بالا را در گروگان‌گیری‌ها و آدم‌ربایی‌ها داشته باشد، بلافاصله از این اقدام امریکائیان به‌وجود آمد و کوشید با تصمیمی مشابه از رقیب خود عقب نماند.

در این رابطه مجلس آخوندی با تصویب طرحی دوفوریتی رئیس جمهور اسلامی را موظف ساخت جهت دستگیری و مجازات

جمع، نیز که پس از میشل هون مهمترین فرمانده ارتش مسیحیان لبنان است، به رنه معاود پاسخ مثبت داد. به این ترتیب میشل هون بیش از پیش به‌انزوا کشیده شده است.

رنه معاود که علاوه بر اکثریت مسیحیان لبنان به‌وسیله نمایندگان مسلمانان در پارلمان نیز مورد پذیرش قرار گرفته و از پشتیبانی سوریه نیز برخوردار شده است قصد دارد پس از ۱۴ سال جنگ داخلی، صلح را به لبنان بازگرداند. وی در تلاش است مهمترین شخصیت‌های لبنانی و از جمله نبیه‌بری، رهبر شیعیان امل، ولید جنبلاط، رهبر حزب سوسیالیست ترقیخواه را نیز در "حکومت آشتی ملی" وارد کند.

در لبنان بنا بر سنتی دیرینه رئیس‌جمهور، از میان مسیحیان و نخست‌وزیر از میان مسلمانان برگزیده می‌شود. در سالهای اخیر اهالی مسلمان بنا به تغییر تناسب نیرو و ترکیب جمعیت به نفع مسلمانان خواهان تغییر این قرارداد شده‌اند. نیروهای مسیحی دست راستی، به‌ویژه طرفداران میشل هون، بشدت با این امر مخالفند. نیروهای چپ و کمونیست‌ها اساساً تقسیم جامعه به اجزای مذهبی را نافی کرده و مدافع انتخاب دموکراتیک و مستقیم مقامات حکومتی هستند.

روز یکشنبه مغته گذشته در لبنان رنه معاود به ریاست جمهوری انتخاب شد. انتخاب او تحت شرایطی ویژه، بر اساس قرارداد صلح منعقد در طایف انجام شد، قرارداد مزبور قرار است بر جنگ ۱۴ ساله لبنان نقطه پایانی گذارد.

انتخاب رنه معاود توسط پارلمان، با مقاومت میشل هون، رهبر ارتش مسیحیان مارونی، مواجه شده است. هون در مغته گذشته پارلمان لبنان را به بهانه نقض قانون، ملغی شده اعلام کرد. رنه معاود که خود یک مسیحی مارونیست در محافل سیاسی به عنوان یک فرد معتدل شناخته می‌شود و تقسیم کشور خود بر مبنای تعلقات مذهبی را رد می‌کند.

طرفداران میشل هون به عنوان اعتراض به انتخاب رئیس جمهور جدید دفتر نصرالله سفیر، رهبر روحانی کلیسای مارونی - کاتولیک، را مورد حمله قرار دادند. وی را وادار کردند زانو زده و هکسهای میشل هون را ببوسد. بدنبال این واقعه، سفیر، محل اقامت خود در لبنان شمالی را ترک گفته و در منطقه تحت نظر ارتش سوریه پناه جست.

برخلاف هون، آنتون لحد، رهبر مسیحی ارتش لبنان جنوبی، از انتخاب معاود استقبال کرد. سمیر

## انتخابات در اسپانیا

پرهیز کردند زیرا می‌دانستند که این صحنه‌سازیهای بجا مانده از زرادخانه فاشیسم فرانکو بیش از آنکه برایشان سودی به‌همراه آورد، انزجار مردم اسپانیا را بر خواهد انگیزت.

حزب محافظه‌کار خلق با کنار گذاشتن مانوئل فراگا اندکی بر آرای خود افزود. با این وجود انتخابات ثابت کرد که فرضیه اکثریت راست در اسپانیا دیگر موجودیت ندارد. نتایج انتخابات هلیرفم افزایش گرایش به راست در سوسیالیست‌ها، عکس این را ثابت کرد.

هلیرفم آنکه سوسیالیست‌ها با ۱۷۶ نماینده از مجموع ۳۵۰ نماینده، اکثریت مطلق خود را بقیه در صحنه ۱۱

در انتخابات پارلمان اسپانیا "اتحاد چپ" تعداد نمایندگان خود را به بیش از دو برابر رساند، و اکنون ۱۷ نماینده در مجلس دارد. تاکنون کمونیست‌های اسپانیا تنها ۷ نماینده در مجلس داشتند. به این ترتیب اتحاد میان کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های سابق، که از موضع چپ حزب حکومتی را بخاطر فساد دولتی و سوءاستفاده مالی از قدرت ترک کرده بودند، برندگان واقعی انتخابات می‌باشند.

فیلیپ گونزالس، رهبر حزب سوسیالیست، تا به آخر تلاش کرد اتحاد چپ را با توسل به تبلیغات ضدکمونیستی بی‌اقتبار کند. اما این تلاش‌ها بجایی نرسید. حتی محافظه‌کارها نیز از پیش‌برد یک کارزار انتخاباتی ضدکمونیستی

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۱ مارک	۱۳ مارک
		۲۱	۲۴

بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه‌ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "اکثريت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۲۷ مارک	۳۰ مارک
	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

**AKSARIYAT**  
NO.282  
MONDAY, 13 NOV 89

آدرس: Address:  
RUZBEH  
POSTFACH 1810  
5100AACHEN  
W.GERMANY

حساب بانکی  
AUSTRIA WIEN  
BAWAG  
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT  
NR. 02910701.650  
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی  
فدائیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی  
یاری دهید